

کنشها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر

حمید ودادی 1، دکتر حبیب آقابخشی 2، دکتر افسانه وارستهفر 3

چکیده

در گستره ادبیات داستانی، بخش قابل توجهی رمان و داستان بلند با محوریت زن، منتشر میشود. از سوی دیگر، خوانندگان این آثار وجود دارند که با انگیزه‌های متفاوتی به مطالعه این دستاوردها می‌پردازند. در این داد و ستد، این مساله مطرح است که از منظر کنشهای متقابل اجتماعی در چهار نظام فرهنگی، اجتماعی، شخصیت و ارگانسیم زیستی، بر چه مقوله‌هایی تأکید و چه شناختی به مخاطبان منتقل می‌شود.

۴۳۵ منعکس است، - تدارک یک ساخت مفهومی از موضوع، بر اساس آنچه که در ادبیات داستانی معاصر ۰۵ جنسیت را پیش روی قرار میدهد. سازهای که با اثرگذاری بر رفتار در سپهر خصوصی و «سازه اجتماعی» توجه به عمومی شخصیت‌های داستان، به نوع کنش و موضوعیت آن شکل میدهد.

این مطالعه در چارچوب پژوهشهای کیفی محقق شده است. جامعه‌ی نمونه را رمانهای زن محور به نویسندگی زنان و مردان تشکیل میدهد. واحدهای تحلیل برای کدگذاری باز و محوری، شامل ۵۰ عنصر بوده که از ۵۲ کتاب مرجع در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات و جنسیت استخراج شده‌اند.

برونداد این مطالعه نشان میدهد که رمانهای به اصطلاح عامه‌پسند، مقدم بر رمانهای متعلق به دو جریان پیشرو، در بیشترین سطح، نسبت به تبیین کنشهای اجتماعی توجه داشته‌اند. رهیافت دیگر نیز آن است که نویسندگان از بین چهار نظام کنش (فرهنگی، اجتماعی، شخصیت و ارگانسیم زیستی) بر جنبه‌های کنش اجتماعی، با تنوع بیشتری، شخصیت‌های داستانی خود را درگیر ساخته‌اند. در هم‌راستایی با این یافته، مشخص میشود که را به عنوان قویترین و نافذترین عامل اثرگذار در شکل، «سازهای اجتماعی» و به تبع آن «نظام اجتماعی» مقوله دادن به نوع کنشهای اجتماعی زنان نقش‌آفرین است.

کلید واژه‌ها: کنش، جامعه‌شناسی ادبیات، سازهای اجتماعی، زندگی روزمره، جنسیت

۰. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده علوم اجتماعی، رودهن، ایران.

۵. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده علوم اجتماعی، رودهن، ایران.

۴. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده علوم اجتماعی، رودهن، ایران.

158 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394

مقدمه:

تبیین‌کننده وظایف رمان « ادبیات بر بنیان زمان » و « زندگی بر بنیان ارزشها » ، دو مفهوم در حوزه ادبیات داستانی است که بر آن است تا منطبق با زمان و یا به عبارتی روشنتر، با درک « مفهوما و جنبه‌های زندگی » ، و به‌طور کلی « مسأله‌های اجتماعی » و شناخت زمانه، به تشریح بپردازند.

در اصل، در سراسر نخستین بخش تاریخ « رمان : » به یقین از همین روست که گفته میشود (28 بیسبب : اجتماعی بوده است) گلدمن، لوسین، « 1381 زندگی نامه و وقایعنامه » خود، نوعی به عنوان جنبه‌های ادبیات، میکوشد تا ترسیم همجانیهی ، « رمان » ، نیست که اظهار نظر میشود از اشخاص، زندگی مستقل انسانها، زندگی روزمره و روابط و کنشهای انسانها را با یکدیگر) و یا با جامعه (ارایه دهد.

یا آنچه که به آن فضایی داستان « فضا » توصیف زمان و مکان در رمان با هدف ساختن به (و رمان گفته میشود اتفاق می‌افتد. در عمل، هدف اصلی از این ساختن آن است که خواننده در بر گیرنده « دریابد، علت رفتارها و چرایی کنشها چیست. به اعتباری دیگر اگر کنش را ساختارها و فرایندهایی بدانیم که انسانها، به واسطه آنها، نیت‌های معنادار خود را شکل (179) ساخت فضا به خواننده رمان می‌گوید که به چه دلیلی، : تامپسون، کنت، « (1392) میدهند کنشهای بین فردی و یا کنشهای بین فرد و جامعه آنگونه که در رمان آمده است، اتفاق افتاده‌اند. این ساخت از فضا کمک میکند تا نویسنده به بازگویی شرایط حاکم بر جامعه بپردازد و خواننده نیز از همین طریق، نسبت به جامعه مورد نظر، شناخت پیدا کند.

است، « شناخت و یادگیری » افزون بر رهیافتهای فوق که متبادر از نقش رمان در فرایند باز می‌گردد. « مسأله‌های زنان » موضوعی دیگری نیز میتواند مطرح باشد که به نوع خاصی به هستند. یعنی همان « سازهای اجتماعی » متوجه بر مقوله‌ی « موضوعهای دیگر » عمده این

مفاهیمی که سبب میشوند تا از دختر، دختر ساخته شدن! و از پسر، پسر ساخته شدن اتفاق افتد.

بررسی کنشهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر، به ویژه در رمانهای زن محور میتواند نشانگر سطحی از قابلیت‌های رمان معاصر باشد که در همراهی با شناختن و توضیح دادن تجربه‌های زنان بر اساس جنسیت نقاش‌آفرین بوده است.

کنش‌ها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 159

بیان مسأله

در خلال پنجاه سال (بازه زمانی مورد تأکید این پژوهش از 1340 خورشیدی، تا 1390، در حوزه ادبیات داستانی با تأکید بر رمان و داستان بلند، کتابهای بسیاری تولید و عرضه شده است. مسأله این است که زنان، در فضای ادبیات داستانی زن‌محور، چگونه کنشهایی در چارچوب نظامهای فرعی کنش) نظام فرهنگی، اجتماعی، شخصیت و ارگانیزم زیستی (هستند. واقعیت قابل تامل آن است که سنخش و ارزیابی کیفی و محتوایی آنها، به لحاظ وجود طیف وسیعی از رویکردها و موضوعها، دارای فرایندهای سخت و پیچیده است. به همین منظور، لازم می‌آید تا با تعیین هدف و طرح پرسشهایی مشخص تلاش شود که تا حدودی، این پیچیدگی مهار و در عمل بر این نکته تأکید شود که رمانهای معاصر، مبادرت به ارائه چه نوعی از کنشها و نمودهای اجتماعی زنان دارند و در آن فضا، ساختهای نمادینی را که در این رمانها پرورش میدهند، بر تبیین چه وجههایی از جامعه‌پذیری دختران، عادات اجتماعی، آموزشها و تمایزات جنسیتی تأکید دارد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

طی دوپست ساله اخیر، رمان، فرم غالب ادبیات در جامعه بوده است، چه به لحاظ کمی، چه بازتاب دهی فرهنگی همچون کالاهای فرهنگی به «از نظر اقبال خوانندگان و چه از لحاظ سرعت و به طرز قابل ملاحظه‌ای، واقعیتها و پندارهای اجتماعی اقتصادی مصرف‌کنندگانشان را باز تابانده و به شکلگیری آنها کمک نموده است) فولر، راجر، (1390:17 در جامعه ما نیز ایران رمان جایگاه خاص خود را دارد و به بسیاری رمانها میتوان اشاره کرد که در دایره نشر، نوبتهای چاپ و تیراژهای بالایی را با توجه به فرم عمومی تیراژ کتاب در کشور به خود اختصاص داده‌اند. بر این اساس، اهمیت بررسی و نقد و تحلیل ادبیات داستانی در تأکید بر نقش رمان در حوزه زنان، آن است تا به این واسطه مشخص گردد: این گذرگاه ارتباطی در انتقال چه نوعی از کنشها و نمودهای اجتماعی و به چالش کشیدن کدامیک از مسایل اجتماعی زنان توانسته است نقاش‌آفرین باشد.

بررسیهای پیش‌تر این مطالعه نشان میدهد که در ادبیات داستانی معاصر با تأکید بر رمانهای زن‌محور به طور اساسی زنان، از جمله شخصیت‌های اصلی و یا کانون یک اثر دراماتیک و یا اجتماعی بوده‌اند. ایفای این نقش، مستلزم تبیین نقش محوری زن به عنوان یک کنشگر است.

160 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394

وجود رویکردی این چنین طلب میکند تا به واسطه این مطالعه به نحو نسبی مشخص گردد که بر چه جنبه‌هایی از کنشهای اجتماعی تأکید میگردد. از این رو تامل در مناسبات و کنشهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی ضرورت مییابد.

هدفهای پژوهش

هدف اصلی:

-شناخت کنشها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر ایران.
و مقوله‌های تعیین شده در فضای توصیف شده از هدفهای «بیکره آثار» این شناخت در چارچوب فرعی پژوهش و پرسشها) واحدهای تحلیل(، محقق میشود.

هدفهای فرعی:

جریان «و» هویت /_F_3_~ __ جنسیتی. 1 «شناسایی کنشهایی که معرف روند پیوند و جهتگیری با زنان هستند». زندگی روزمره

مرتبط با فضای سپهر «موضوعها و مساله‌های 2 «شناسایی کنشهایی که رابطه‌ی متن، با خصوصی و عمومی زنان را در چارچوب کنشها و نمودهای اجتماعی، نشان میدهند.

3. تبیین آن دسته از کنشها که رابطه‌ی متن با هویت و شخصیت زنانه (امر عاملیت زنانه، تمایلهای، انگیزه‌ها، گرایشهای عاطفی حسی (را به تصویر میکشند).
4. استخراج آن دسته از کنشها که سخن از تجربه زیسته، تعامل، نقش اجتماعی، دغدغه‌ها، انتظارات زنانه و زن بودگی اجتماعی، در چارچوب نظام اجتماعی کنش، دارند.

5. شناسایی کنشهایی که در جهت توصیف ابعاد نقش اجتماعی زنان و الگوی زنانه پیشرفت، مطرح هستند.

پرسشهای پژوهش

با توجه به مسأله و هدفهای پژوهش، پرسش اصلی عبارت است از این که: در ادبیات معاصر ایران، در فضای داستانهایی بلند و رمانهای زن محور بر چه کنشها و نمودهای اجتماعی زنان تاکید شده است؟

کنش ها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 161

بر اساس پرسش اصلی فوق، پرسشهای فرعی این پژوهش، شامل موارد زیر هستند:

پرسش اول: کنشهای ناظر بر هویت جنسیتی و جریان زندگی روزمره زنان چه نمونههایی را دربر میگیرند؟

پرسش دوم: کنشهای ناظر بر سپهر خصوصی و عمومی زنان چه نمونههایی را شامل میشوند؟

پرسش سوم: کنشهای ناظر بر هویت و شخصیت زنانه بر چه نمونههایی تاکید دارند؟

پرسش چهارم: کنشهای ناظر بر تجربه زیسته و نقش اجتماعی زنان چه مواردی را تبیین میدارند؟

پرسش پنجم: کنشهای ناظر بر الگوهای زنانه پیشرفت شامل چگونه گزارههایی هستند؟

روش پژوهش

بر این اساس، پژوهش با عنوان موضوعی شناخت کنشها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر ایران، از نوع و جنس پژوهشهای بنیادی نظری است و با توجه به اجزای است. نمایه شماره یک « روش پژوهش کیفی » انتظاراتها و هدف پژوهش، روش آن، بهره‌برداری از این موضوع را تبیین میدارد.

فرایندهای اقدام‌پژوهی این مقاله نیز به واسطه‌ی نمایه شماره 2 قابل مشاهده است.

شکل 1: روش پژوهش، به عنوان طراح فرایندهای اقدام‌پژوهانه در جهت رسیدن به هدفهای پژوهش

162 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394

نمودها و داده‌ها در زندگی روزمره محیط منتخب برای « برآمده از ، « پژوهش کیفی » نتایج هر در این مطالعه نمایه شماره 2 این فرایند را توصیف میکند. محیط منتخب در این « مطالعه است « فضای ادبیات معاصر ایران با تاکید بر رمان و داستانهایی بلند زخمحور « مطالعه عبارت است

شکل 2 : فرایندهای روش پژوهش

قصد اصلی از نمایه شماره 2 این است که در چارچوب فرایندهای تعیین شده، بالاترین سطح کنترل ممکن بر فرایند کلی پژوهش به دست آید. این رویکرد، این امکان را فراهم می‌آورد که مناسبت و سازگاری مجموعه الزامهایی که باید در روند این مطالعه به عمل درآیند، پیوسته مورد کنترل و ارزیابی قرار گیرند.

کنش ها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 163

مبانی نظری و مفهومی

ناظر است « کنش » به نظر شلدون، علوم اجتماعی به بخشی از فعالیتهای ارگانیک، یعنی این کنش، زمان دارد و حاوی سطوح خرد و کلان است، به ابعاد مادی و غیرمادی تقسیم میپذیرد (48). و بالاخره اینکه متضمن رابطه‌ی اجتماعی است) محمدی اصل، عباس، 1390

با توجه به مفهوم کیفی و معنایی فوق، کنش، همانند حوزه‌های در بررسیهای اجتماعی و در « واحد » چارچوب دانش علوم اجتماعی، از روندی تأثیرگذار و تأثیرپذیر برخوردار است. این (جامعه‌های را در یک روند تعاملی نشان میدهد) شکل شماره 3

در این ارتباط و با توجه به آنکه بخش و یا جنبه‌های از بررسیهای اجتماعی را، مطالعه

کنشهای اجتماعی تشکیل میدهد، ضرورت دارد تا بر این ویژگی نیز تاکید شود که گزینهای چندین الهام میگیرند که « متغیرهای الگویی » پیشروی کنشگران در اوضاع متفاوت زندگی، از بسته به انتخاب این گزینها، میتوان نسبت به تحلیل موقعیت، نحوه عمل، تاکیدها و خصوصیتهای کنشگران، اقدام کرد. علاوه بر این میتوان تاکیدها را شناسایی و مورد قضاوت و داوری جامعهشناسانه قرار داد.

در بررسیهای « يك واحد مطالعه » همانند « کنش » ؛ شکل شماره 3: تعامل کنش و محیط اجتماعی عمل میکند.

از نظر پارسونز « کنش اجتماعی » مفهوم

بنیان تمامی نظریه کنش پارسونز، که در عین حال آن را در چارچوبی بسیار وسیع مطرح در معنایی که پارسونز آن را تبیین « کنش اجتماعی ». « است » کنش اجتماعی « میکند، مفهوم همه رفتار انسانی است که انگیزه و راهنمای آن معنایی که توجه کنشگر را به خود « ، میدارد در حساسیت « کنش اجتماعی » جلب کرده و به آنها پاسخ میدهد. بنابراین، ویژگیهای اصلی کنشگر به معنایی چیزها و موجوداتی است که در محیط هستند و آگاهی یافتن به این معانی و واکنشهایی است که آنها میفرستند. از این منظر، رمان، بدیلی از صحنه‌های واقعی اجتماعی است که مبادرت به تبیین همان کنشهایی دارد که در ارتباط با همه رفتارهای انسانی در فضای

164 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394

جامعه و محیط روابط اجتماعی، جاری هستند. کنشهای اجتماعی مطرح شده در رمان، از عرصه روند داستان و محتوای ادبی فراتر رفته و در عمل تمامی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را دربرمیگیرد.

مدل تحلیلی

با توجه به مفاهیم و مبانی مذکور در روش و ابزار گردآوری دادهها (یافتهها) و روش تجزیه و تحلیل آنها مدل مفهومی تحقیق به وجه زیر طراحی میشود.

الف (نظمبخشی به فرایندها

در ابتدا، لازم مینماید تا در خصوص عملیاتی ساختن روند نظم و سازمان دادن به دادهها، چند نکته مورد تاکید قرار گیرند.

1-نظمدهی مفهومی براساس پیوست شماره 1 پیکره آثار ادبی جامعه نمونه آماری،

مقوللهای « صورت میگیرد. نظم دادن مفهومی با هدف سازمان دادن به دادهها، در قالب

انجام میشود « مشخص

مفهوم، پدیده برچسب خورده است. مفهوم بازنمایی انتزاعی يك رویداد، شی و یا عمل تعامل کنش است که پژوهشگر حضور آن را در دادهها (پدیدهها مصداقها (شناسایی نموده است. مفهوما در برخی ویژگیها مشترکند. مثلاً پرواز، يك مفهوم است، چه سخن از يك پرنده باشد و چه از يك بادبادک یا از يك هواپیما. هر يك از این اشیاء از لحاظ شکل و اندازه با هم متفاوتند، اما يك خاصیت یا ویژگی مشترك دارند و آن پرواز کردن است) استراوس، انسلم، (125 بر این اساس و به عنوان مثال، در این بررسی پژوهشی زن بودگی، زنانگی، سازه 1390: اجتماعی و... اجزای يك مفهوم هستند که آن را با الگوهای زنانه) عنصر مفهومی (شناسایی میکنیم.

عبارت از ویژگیها 2 و ابعادی 3 هستند که از منابع نظری در « مقوللهای مشخص 2- « 12 حوزه ادبیات داستانی و جامعهشناسی ادبیات مستخرج شدهاند. این مقوللهها، ابعاد و ویژگیهایی

1. categories

2. Properties

3. Dimensions

کنش ها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 165

را شامل هستند که در چارچوب نمودهای اجتماعی، قابل توصیف هستند. در این پژوهش تحت عنوان واحدهای تحلیل از این مقوللهها یاد میشود.

مقوللهها، مفهومی هستند که معنای پدیدهها (مصداقها (را میرسانند) استراوس، انسلم،

(123 در مفهومی سازی ما به انتزاع میپردازیم و با این کار، دادهها را به واقعهها، ایدهها، 1390:

رویدادها و کنشها، جدا از هم خرد میکنیم و به هر يك نامي ميدهيم که نمایانگر ما به ازاي آن باشد. این نام را میتوانیم بر اساس تصویر یا معنایی بر آن بگذاریم که به هنگام بررسی مقایسه‌ای و در زمینه واقعی باز نمود میشود و یا آن که بر اساس تحلیل مقایسه‌ای، دارای حامل يك معنای مشترك برای تمامی « نام يك ویژگی مشترك است. به عبارتي، آن مصداقهای مشابه است.

3- واحدهای تحلیل، عمدتاً بر مبنای مقوله‌هایی هستند که به پشتوانهی ویژگیها و ابعاد جامعه‌ای و یا جمعی خود، وجه و یا صورتی از نموده‌های اجتماعی را تبیین میکنند. این واحدها بر اساس پیوست شماره يك) آثار معیار (انتخاب شده‌اند. چیزی که در این مرحله اتفاق نام یا « میافتد، انجام نامگذاری (برچسب گذاری) (است. هدف از این نامگذاری آن است که برچسب مفهومی باید زمینه یا بستری و یا کلید واژه‌هایی که مفهومی و یا عنوانی را از يك رویداد، (128). استراوس، انسلم، « (1390 پدید و یا کنش برساند، القا کند

4- فرایند اقدام‌پژوهی در زمینه کدگذاری داده‌ها، بر اساس نمایه شماره 5 تبیین شده‌اند.

166 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394

ب) فرایند عملیاتی کدگذاری

3- شکل شماره 5: فرایند عملیاتی کدگذاری باز بر اساس شکل 6

واحدهای تحلیل و تعیین عناصر مفهومی بر راستای پاسخ به پرسشهای پژوهش
واحدهای تحلیل برای تدوین کدگذاری، حایز 3 مجموعه از مفاهیم هستند که لوازم و اسباب برای کدگذاری باز، کدگذاری محوری و نظریه سازی را فراهم میسازند. کاربرد دیگر این واحدها **کنش ها و نموده‌های اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 167**
در جهت پاسخ به پرسشهای فرعی پژوهش در قالب کدگذاری باز و کدگذاری محوری میباشد. برون داد حاصل از این فرایند، زمینه را برای ساختن نظریه (نظریه سازی (تدارک میسازد.

روش جمع‌آوری داده‌ها و کدگذاری

با توجه به روش پژوهش، شیوه جمع‌آوری داده بر اساس فرایندهای زیر اتفاق افتاده است:
فرایند اول: انجام اقدامات پیش‌ران مشتمل بر:

1340، به - - انتخاب جامعه آماری به تعداد 54 رمان منتشر شده در بازه زمانی 1390
پشتوانه نتایج حاصل از انجام مصاحبه با خوانندگان رمان خانم و آقا همچنین مطالعه و بررسی نقدها و گزارشهای ادبی ادواری.

- انتخاب جامعه نمونه آماری، باتوجه به سطح برخورداری رمانهای منتشر شده در بازه

1340 (، از ویژگیهای خاص واحدهای تحلیل) با توجه به شکل - 6 زمانی 1390
فرایند دوم: کدگذاری باز تمامی گزاره‌های متنی مندرج در رمانهای عضو جامعه نمونه آماری بر اساس واحدهای تحلیل

فرایند سوم: کدگذاری محوری و تمرکز دادن داده‌ها و تبدیل آن به اطلاعات

فرایند چهارم: طبقه‌بندی موضوعی بر اساس کدگذاری موضوعی و پرسشهای پرسشها

جامعه J_ X_ ü_ Z- آماری و جامعه نمونه آماری

1340 و جامعه نمونه - جامعه آماری این مطالعه را 54 رمان منتشره در بازه زمانی 1390

آماری را 15 رمان تشکیل میدهند. طبقه‌بندی اجتماعی و رویکرد جامعه‌ی نمونه آماری را نویسندگان از سه سطح پیشرو) در دو بخش اول و دوم، عامه‌پسند و دهها دربرمیگیرند. در این پژوهش و به طور کلی منظور از جریان پیشرو، به جریانی اطلاق میشود که ساختار داستانی استاندارد را میشناسد و بر عناصر رمان آشناست. همچنین اظهار نظر میشود که این جریان، دارای نوعی تعهد و پایبندی حرفه‌ای به مسایل اجتماعی است و هنر داستان را صرفاً هنری در خدمت جامعه میداند. این جریان مبادرت به پرورش انتزاعی و نمادین مفاهیم دارد و سخن و قلم را در راستای پیش‌رانی نظریه‌های فردی و شخصی خود به کار میگیرد.

نویسندگان عامه‌پسند نیز بر رمانها و نویسندگانی متوجه است که در عمل بر اقتضای اجتماعی تمرکز نموده و توصیفگر ماجراهای زندگی هستند. اینان به طور کامل نویسندگانی با رویکرد

168 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394

جامعه‌ای هستند و با محور قرار دادن واقعیت‌های درگیر زندگی، بیهیچ آذینی، واقع نگارانه

روایت داستان را به پیش می‌برند. فهیمه رحیمی، فغانه حاجسید جوادی، شهره وکیلی، نازی صفوی و مریم ریاحی و تکین حمز هلو، عضو این مجموعه‌اند. نویسندگان دههها نیز شامل آن بخش از نویسندگانی است که در عمل، از خاستگاه نگاه جاری در دههها و مسایل آن برخاسته و به تدریج به گروه نویسندگان پیشرو (بخش دوم) پیوسته‌اند. به مفهوم دیگر، بخش دوم نویسندگان پیشرو، این دسته از نویسندگان را نیز به تدریج شامل شده است. از شاخصترین آنان میتوان به ناهید توسلی، شهلا پروین روح، خاطره حجازی، فرشته ساری، فرخنده حاجزاده و پوران فرخزاد و فرخنده آقایی، فریده خردمند و بنفشه حجازی میتوان اشاره داشت.

بحث و تحلیل دادهها

الف (صورت کلی دادهها): با توجه به نمایه‌های 7 الی 11، مشخص آمد که در چارچوب هر یک از پرسشهای فرعی به ترتیب از پرسش شماره یک الی پنج در ادبیات داستانی معاصر بر چه کنشهایی تأکید شده است. این جنبه‌های تأکیدی، برحسب سلسله مراتب کمی که حاصل از کدگذاری باز و برآمده از تکرار واحدهای تحلیل خاص هر یک از مقولهها، به دست آمده‌اند، برای هر یک از پرسشهای پنجگانه، به شرح داده‌های توصیفی زیر می‌باشند. نمایه‌های هفت الی یازده کنشهای ناظر بر هر یک از پرسشهای فرعی اول الی پنجم را تبیین میدارند.

طرح پرسش اول:

1 کنشهای ناظر بر هویت جنسیتی و جریان زندگی روزمره زنان. تأکید بر کنشهای کارکردی در جهت پاسخ به پرسش اول با رعایت اولویتهای کنش ها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 169 نمایه شماره 7

طرح پرسش دوم

کنشهای ناظر بر سپهر خصوصی و عمومی زنان تأکید بر کنشهای توصیفگر مسأله‌های مرتبط با زندگی (سپهر خصوصی و عمومی) (در جهت پاسخ به پرسش دوم با رعایت اولویتهای اولویت عنصر مفهومی کد باز کد محوری داده‌های کمی

1- 2- 2- 101 نقش سایه‌وار زنانه 12
 2- 2- 2- 66 نقش اجتماعی زنانه 11
 3- 2- 2- 40 انگیزه‌ها و تمایلات اجتماعی 13
 4- 2- 2- 18 فرهنگ و زندگی روزمره نمود اجتماعی 10

نمایه شماره 8

طرح پرسش سوم:

کنشهای ناظر بر هویت و شخصیت زنانه اولویتهای در جهت تبیین کنشهای مرتبط با هویت و شخصیت زنانه

نمایه شماره 9

اولویت عنصر مفهومی کد باز کد محوری داده‌های کمی

- 1- 1- 1- 93 سازگاری و نهادینگی زنانه 10
 2- 1- 1- 89 یادگیری جنسیتی و رفتار مطابق با آن 11
 3- 1- 1- 88 دل‌بستگی و گرایشهای عاشقانه 12
 4- 1- 1- 75 جنسیت و زندگی روزمره 13
 5- 1- 1- 45 الگوی مادرانه: خانواده جامعه 14
- اولویت عنصر مفهومی کد باز کد محوری داده‌های کمی
- 1- 3- 3- 127 عاملیت زنانه و نمود اجتماعی 10
 2- 3- 3- 60 حمایت اجتماعی و وابستگی 12
 3- 3- 3- 39 نمود و مقاومت در برابر نابرابریهای جنسیتی 11
 4- 3- 3- 53 خودشکوفایی و نمود اجتماعی 13

170 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394

طرح پرسش چهارم:

4 کنشهای ناظر بر تجربه زیسته و نقش اجتماعی زنان
اولویتها در جهت تبیین کنشهای اجتماعی زنان با تاکید بر تجربه زیسته، نقش اجتماعی،
دغدغها و زنیودگی و....

اولویت عنصر مفهومی کد باز کد محوری دادههای کمی

1- 4- 298 4 4- 10 سازه اجتماعی

2- 4- 100 4 4- 13 زن بودن و تحقیرشدگی

3- 4- 64 4 4- 15 قواعد اجتماعی جنسیت

4- 4- 61 4 4- 11 تجربه زیسته باورهای نهادینه شده

5- 4- 50 4 4- 12 نقش اجتماعی و جنسیت

6- 4- 18 4 4- 14 نقش زنانگی و نهادینگی اجتماعی

نمایه شماره 10

طرح پرسش پنجم:

5 کنشهای ناظر بر الگوهای زنانه پیشرفت.
اولویتها در جهت تبیین کنشهای اجتماعی مرتبط با الگوهای زنانه پیشرفت (توصیف هنجارها
و باورها (در چارچوب نظام فرهنگی کنش

اولویت عنصر مفهومی کد باز کد محوری دادههای کمی

1- 5- 140 5 5- 10 نمود اجتماعی و جهتگیریهای ارزشی

2- 5- 54 5 5- 15 نابرابریهای جنسیتی

3- 5- 49 5 5- 11 نمود اجتماعی و زندگی روزمره

4- 5- 21 5 5- 12 نمود اجتماعی و الگوی زنانه پیشرفت

5- 5- 17 5 5- 14 کلیشههای جنسیتی

6- 5- 11 5 5- 13 دال و نشانههای رفتار فرهنگی بدون تبعیض

نمایه شماره 11

کنش ها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 171

ب (تبیین دادهها: وجه غالب کنشها در جهت پاسخ به پرسش اصلی پژوهش

با توجه به پرسش اصلی پژوهش دال بر این مهم که: در ادبیات داستانی معاصر بر چه نوع
کنش و نمود اجتماعی زنان تاکید میشود، دادههای حاصل از پنج پرسش فرعی، نشان میدهند
در اولویت نخست دادهها قرار دارد. نمایه شماره 12، سلسله اولویتهای «کنش اجتماعی» که
برآمده از پژوهش را برای پنج پرسش فرعی نشان میدهد.

تبیین دادهها

نمایه شماره: 12 (نتایج) تبیین اولویتهای (بر اساس کدگذاری محوری

بحث و تحلیل دادهها

1. با توجه به نمایه شماره 12، اولویت نخست مجموعه کنشهای اجتماعی زنان بر نوع
متمركز است. به مفهوم روشن، عمدهترین جنبههایی مورد، «نظام اجتماعی» کنشهای مرتبط با
«کنشهای اجتماعی 1340» توجه نشان دادن به - تأکید در ادبیات داستانی معاصر ایران 1390
زندگی روزمره و سازه: «است. افزون بر این باید توجه نمود که عناصر محوری دیگری همچون
، «زن بودگی»، «نقش اجتماعی و جنسیت»، «تجربه زیسته باورهای نهادینه شده»، «اجتماع
همگی وجه های دیگری از، «قواعد اجتماعی جنسیت» و «نقش زنانگی و نهادینگی اجتماعی»

را تبیین میدارند». سازههای اجتماعی و جنسیت «چهره نقش و اثر

اولویت کد محوری

شماره پرسشها

فراوانی کل عنصر مفهومی محوری نظام فرعی کنش ابعاد و کارکردهای

نظام کنش

591 جنسیت و سازه اجتماعی نظام اجتماعی درونی 1

390 هویت جنسیتی و زندگی 12

روزمره

172 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394

جامعه‌شناسان به سازه اجتماعی 1 جنسیت توجه زیادی دارند و در پی آنند که روشن سازند چگونه جامعه هویت خاصی از زن بودن یا مرد بودن را خلق میکند. در واقع الگوسازی رفتاری زنانه و مردانه، از طریق نهادهای اجتماعی و از طریق تعاملات روزمره‌های به وجود می‌آید که ما توجه چندانی به آنها نداریم. به عنوان مثال در سطح کلان، نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، محیط کار، رسانه‌ها، قوانین ناظر اجتماعی، روابط و مناسبات روزمره به ما یاد میدهند که دختران باید به شیوه‌های خاص عمل کنند و رفتاری ویژه داشته باشند. در ادبیات معاصر زن محور نشان داده میشود که عمده‌ترین تجربه‌های زنان از نابرابریهای اجتماعی به ویژه در عرصه سلطه‌خانی مذکر و نیز جهانی متفاوت آنان نسبت به زندگی اجتماعی، همه دارای منشا و زیرساخت‌هایی شکل گرفته از طریق سازهای اجتماعی و نظام اجتماعی جنسیت اتفاق می‌افتد. فراوانی کل 591 گزاره مستخرج شده از جامعه نمونه آماری، نقش قابل توجهی از پایداری و بازسازی و بازتولید هویت‌های جنسیتی برپایه سازها و کنش‌های مرتبط با نظام اجتماعی را تایید میدارد.

از جانب دیگر، در این ادبیات تبیین میشود که: کنش‌های مرتبط با نظام اجتماعی، همه بر ابعاد و کارکردهایی درون‌نشده گواهی میدهند، بر این اساس، انتساب‌های جنسیتی، برپایه اکتساب خصایص گزینشی اجتماعی صورت می‌پذیرد. در این ادبیات، کارکرد سیاسی حاصل از این سازهای اجتماعی به شکل‌گیری نگر‌هایی منتهی میشود که مرد، نانآور و زن در ماهیت خود، مادر و پرورنده است. مرد فعال و عاقل و شاعل است و زن، منفعل و عاطفی و خانهدار به نظر می‌آید.

2. دومین رهیافت این پژوهش نشان میدهد که در ادبیات داستانی(زن محور (معاصر، بر هویت جنسیتی و زندگی روزمره تأکید دارد. به مفهوم روشنتر، در چارچوب نظام ارگانیکم زیستی سازگاری، این ادبیات، بر تلاش زنان در جهت تثبیت هویت جنسیتی خود در زندگی روزمره توجه دارد. این ادبیات میکوشد تا تلاش زنان را چه به‌نحو مستقیم در (رمان) شوهر آهو خانم (و یا چه به صورت غیرمستقیم در رمان‌های) ایمپالای سرخ، بامداد خمار، چراغها را من خاموش میکنم (بازگو سازد. توصیف دل‌بستگی و گرایش‌های عاشقانه، عاطفی، احساسی و اظهار و نمود اجتماعی از این طریق و رعایت الگوهای مادرانه متفاوت با نگرش سنتی نسبت به صفات مادرانه و حتی سازگاری با هدف تغییر در اصل ماجرا که در ادبیات و به‌ویژه ادبیات عام‌ه‌پسند صورت می‌پذیرد، همه در جهت آرایه یک چهره دیگر از زن را در همسویی با آرایه یک شخصیت مستقل) و نه وابسته (تبیین میدارد).

1. Social construction

کنش‌ها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 173

سقف آماری و فراوانی این عنصر مفهومی-محوری، شامل 390 گزاره مورد تأکید در جامعه نمونه آماری این مطالعه است.

1- با برداشت از نمایه شماره 12، مشاهده میشود که در ادبیات داستانی معاصر، بر کنش‌های مرتبط با جاریسازی و یا تبیین و یا بازتاب الگوهای زنانه در چارچوب نظام فرهنگی کنش (نظام فرعی کنش) تأکید میشود. سویی عمده این عنصر مفهومی، در ادبیات داستانی معاصر، تلاش میشود تا با آرایه: «تأکیدی است بر این یافته که تصویری از الگوهای رفتاری زنانه و کوششی که رفتارهای سنتی تلاش در جهت حفظ آن دارند، مبادرت به آسیب‌شناسی و نقد آنها شود»

ادبیات دهها و بهیژه ادبیات عامه‌پسند، به‌نحو بسیار شفاف) از طریق نویسندگان عامه‌پسند (و به‌نحوی حاشیهای و غیرمستقیم) از طریق نویسندگان دهها (و به‌وجهی نمادین) توسط نویسندگان پیشرو (مبادرت به تبیین الگوهای زنانه و تلاش وجهایی از جامعه برای حفظ آن الگوها نموده‌اند. در نقطه‌ی مقابل با آن کوشش نمودند تا تلاش وجهی دیگر از جامعه را نیز برای حمایت از الگوهای زنانه پیشرفت تبیین دارند. به‌طور قابل توجهی این روندها و در متن داستان و طرحواره آن و از طریق نقش شخصیت‌های داستانی انجام و محقق شده است.

2- اولویت چهارم و اولویت پنجم داده‌ها و نتایج پژوهش در تبیین کنشها و نمودهای نظام- فرعی -کنش « اجتماعی زنان، متعلق به کنشهای تعریف شده در چارچوب و « عنصر مفهومی هویت « معنادار است. اولویت چهارم یافته‌ها در ارتباط با « شخصیت عنصر مفهومی زندگی روزمره و سپهر « و اولویت پنجم در ارتباط با « شخصیت زنانه» تبیین شده‌اند. در این زمینه قابل توجه است که « شخصیت « و « خصوصی و عمومی عمده‌ی رمانهای دهها) خاصه رمانهای متعلق به نویسندگانی چون رویا پیرزاد، بنفشه حجازی و فریبا کلهر و فریبا وفی(، همچنین رمانهای عامه‌پسند با بهره‌گیری در چارچوب نظام فرعی « مناسب از ظرفیت رمان، به این دسته از کنشهای اجتماعی و توجه نشان داده‌اند « شخصیت

هستند، « شخصیت محور « از سوی دیگر و از آنجا که رمانهای فارسی بیشتر دارای نگرهای لاجرم در سطحی بسیار گسترده نسبت به تبیین این عنصر مفهومی، اهتمام ورزیده‌اند. تاکید این **174 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394**

رسیدن « دسته از رمانها، تاکید بر تبیین شخصیت زنانه است که در این دسته از رمانها برای تلاش نموده‌اند « حضور در زندگی روزمره « و یا « به هدف

در این دسته از رمانها و در پرتو توجه نشان دادن به کنش شخصیت، کوشش میشود تا چه در زندگی درونی خانواده) مانند رمان بامداد خمار اثر فغانه حاج سید جوادی (و چه در زندگی اجتماعی) مانند رمان ایمپالای سرخ اثر بنفشه حجازی(، تکاپوی زنان در جهت دستیابی به اهداف توصیف گردد « نوگرایانه»

از منظر و در چارچوب و فضای « نظام شخصیت « بعد دیگر این توصیف، شامل پرداختن به زندگی روزمره - سپهر عمومی و سپهر خصوصی -اتفاق می‌افتد.

به این ترتیب اولویت چهارم و پنجم، هر دو در فضای کنشهایی اتفاق می‌افتند که چارچوب کنشهای مرتبط با نظام فرعی کنش شخصیت معنادار میشوند. رویکرد کنشهای اولویت چهارم، جریان « و رویکرد کنشهای اولویت پنجم، تاکید بر « هویت و شخصیت زنانه « متوجه بر در چارچوب زندگی روزمره و سپهر خصوصی و عمومی دارد. هر دو عنصر مفهومی نیز « شخصیت در راستای آنچه تبیین میشوند که تلاش زنان را در رسیدن به اهداف تحولخواه خود منعکس میدارد.

تبیین نتایج و استخراج نظریه‌های محوری

نتایج در چارچوب بررسی‌های جامعه‌شناختی

-این بررسی نشان میدهد: در چارچوب تحلیل نظری کنشها و نمودهای اجتماعی زنان که در متن ادبیات داستانی معاصر لحاظ آمده‌اند، بیشترین واحد کدگذاری باز و محوری متوجه به است. به عبارتی، کنشها و نمودهای اجتماعی زنان در جامعه با «سازه اجتماعی « موضوع اثر است. این یافته نشان میدهد « سازهای اجتماعی « تاکید بر امر جنسیت، ناظر بر مداخله مستقیم کنش و نمود اجتماعی زنان، در آنچه که در فضای جنسیت اتفاق می‌افتد، کنش و نمودی متأثر جنسیت است. چیزی که به نحوی شفاف، تربیت دختران را برای دختر بودن « سازه اجتماعی « از برعهده دارد.

این تلقی در متن این ادبیات، روشن‌گر این مفهوم است که در رابطه با تفاوت‌های معنادار بین نقشی مستقیم است « سازه اجتماعی « زندگی روزمره زنان و مردان، نقش

کنشها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 175

نظریه محوری: امر جمعی یا اجتماعی، از امر فردی برخاسته از شخصیت فردی که در روان

شناسی تعریف میشود، مقوله‌های جداست. از این روی، کنش و نمود اجتماعی که وجهی از امر جمعی یا اجتماعی است، مفهومی ویژه و متأثر از جامعه است. در این ارتباط، جامعه متشکل از متشکل از اجتماع آنان است. این سیستم، بیانگر « سیستمی » جمع ریاضی افراد نیست، بلکه مبانی و اصول و قواعد و داشته‌ها و نهادهای خاص خود را دارد. « ویژگی » واقعیتی است که سازهای اجتماعی یکی از داشته‌ها و نهادهای خاص جامعه است که به نوعی، افراد را تربیت میدهد.

ی داستان « ماجرا - « ادبیات داستانی مجموعه‌های از کنشها و نمودهایی است که باعث خلق و نقش آدمهاست. در همین چارچوب کنشها و « شخصیت » میشوند و اینها همه، متکی بر هستند که به ساخت اجتماعی واقعیت شکل میدهند. در « سازه باورهای » نموده‌ها، برخاسته از این چارچوب، کنشگران، واقعیت‌های اجتماعی را همچون ساخت‌هایی تاریخی و نهادینه شده، در زندگی خود فهم میکنند.

نظریه محوری: آموزه‌هایی 610 ی که دارای ماهیتی سازه باور 1 میباشد، بر ساخت اجتماعی واقعیت اثرگذار هستند. در ادبیات داستانی معاصر ایران و چنین چارچوب‌هایی سازه باور، کنشگران فردی و جمعی، واقعیت‌های اجتماعی را همچون ساخت‌هایی تاریخی و روزمره (در جریان زندگی روزمره (فهم میکنند. در ادبیات داستانی معاصر، احساس میشود در کنشهایی که از رنگ و آهنگی سازه باور برخوردارند، مضامینی همچون تاریخت، فرهنگ و ادب اجتماعی، اصالت خانوادگی، به عنوان یک منبع اصلی عمل میکند. به مفهوم دیگر، این دسته از مضامین، به عنوان یک واقعیت اجتماعی عینیت یافته و در فرایند رفتارها، درونی شده‌اند.

نتایج در چارچوب ادبیات داستانی

-در ادبیات داستانی معاصر ایران) با تأکید بر رمانهای زن محور(، نشان داده میشود که در متون داستانی، تأکید نویسنده بر زنانه نویسی نسبت به مردانه نویسی، مبین اراده و قصد هدفمند نویسنده در سخن گفتن از امر جنسیت است. به مفهوم دیگر، پرداختن به جنسیت یکی از ویژگیها و جلوه‌های اساسی این دسته از رمانهاست.

1. منظور از سازه باوری، آنچه از آموزه‌هاست که متبادر از نوعی تاریخت و جنسیتی از رویکردهای فرهنگی و عقیدتی است. این آموزه‌ها در عمل تبدیل به یک واقعیت اجتماعی، یک مفهوم درونی شده و یک امر عینیت یافته

(26: شده‌اند) کرکوف، فیلیپ، 1392

176 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394

یکی از مشخصه‌های گویای رمانهای زن « زبان جنسیتی » **نظریه محوری:** انعکاس و تجلی محور در ادبیات داستانی معاصر ایران) با تأکید بر رمانهای زن محور (است.

-در ادبیات داستانی معاصر ایران) با تأکید بر رمانهای زن محور (نمی‌توان به الگویی رسید که به واسطه آن بتوان گفت متن نوشته شده بیان کنش‌هایی است که مردانه نویسی قادر به انجام آن نیست.

به عنوان مثال، بامداد خمار، که رمانی زن محور اما به واسطه نویسنده‌گی جنس زنانه است، در عمل، همانی است که در شوهر آهو خانم) که مبتنی بر مردانه نویسی است (مشاهده میشود و در رمانهای زن محور که بین « کنش‌های عاطفی زنانه » بالعکس. همچنین است، تأکید بر نوشته‌های زن محور نویسندگان زن با نوشته‌های زن محور نویسندگان مرد همچون به آدین) در دختر رعیت (و بزرگ علوی) در چشم‌هایش (تفاوتی نیست، و یا در حداقلی از امکان و انتظار، نمیتوان به تفاوتی چشمگیر دست یافت.

نظریه محوری: نویسندگان زن، در ادبیات داستانی معاصر ایران، نتوانسته‌اند تا مبتنی بر تجربیات زنانه حاصل از کنش‌های اجتماعی شخصیت‌های عام جامعه) که به عبارتی در کف خیابان مطرح هستند(، شخصیت‌های داستانی خود را پرورش و دست به پروراندن شخصیت‌هایی زنده و برآمده از زندگی روزمره زنانه، زنند.

-این مطالعه نشان میدهد که نویسندگان پیشرو، در سطحی بیش از نویسندگان عامه‌پسند، اندیشه و رویکردها و باورمندی‌های نظری خود را به عنوان ملاک اصلی پردازش شخصیت‌های کمتر داشته و در نقطه‌ی مقابل « کنش‌های اجتماعی » رمان قرار میدهند. بر این اساس، تأکید بر آن، بیشتر به توصیف آرا و عقاید شخصیت و یا شخصیت‌های داستانی خود که به نوعی هر کدامی از آنها، وجهی از شخصیت نویسنده را در زمینه خاصی متجلی میسازد پرداخته‌اند.

تنوع شخصیت‌های زن در آثار زنان نویسنده عامه‌پسند، بیشتر از شخصیت‌های زن در آثار نویسندگان پیشرو زن و یا مردان نویسنده) با تأکید بر رمان‌های زنجور (است. مقایسه شود. **نظریه محوری**: به واری آنچه که انتظار است تا نویسندگان پیشرو، بیشتر به توصیف کنشها و نمودهای اجتماعی زنان در صحن جامعه بپردازند و به این ترتیب هویت جنسیتی و زندگی روزمره را از طریق تبیین همین کنشها و در قالب رمان موشکافی کنند، این نویسندگان عامه‌پسند هستند که در وسعت و عمقی قابل توجه به آن پرداخته‌اند.

کنش‌ها و نمودهای اجتماعی زنان در ادبیات داستانی معاصر 177
پیشنهادها:

در گستره نقد: مقوله کنش اجتماعی، موضوعی فراموش شده در نقد ادبیات داستانی است. متأسفانه کمتر نقدها می‌توان یافت که به این موضوع، از دریچه‌ی یک ضرورت توجه کرده باشد. هرچند که ماجراهای هر داستان همه در پیوند با کنش اتفاق می‌افتند، اما هنوز، رویکردی جدی نسبت به نقد آن در ادبیات داستانی اقدامی مناسب صورت نگرفته است.

در گستره پژوهش: این نکته، که پژوهش‌های دانشجویی ارشد و دکتری می‌باید دارای باشند، این توجه را پیش روی ما قرار می‌دهند که با عنایت به جریان « مساله‌محور » رویکردی لازم است تا در سه رشته ادبیات، جامعه‌شناسی « مساله‌محور بودن پژوهشها » و « مساله‌یابی » از منظر مساله‌یابی دقت گردد. کنش‌های اجتماعی « و پژوهش، به مقوله

در گستره نویسندگی: پیوند با جامعه راهبردی قطعی برای غنا بخشاندن به محتوای ادبیات داستانی است. مناسب است تا نویسندگان، به ویژه بانوان نویسنده، بر دامنه تعامل و ارتباط خود با جامعه بیفزایند. در جامعه آماری نمونه این پژوهش، نویسندگانی که در تعامل بیشتری با جامعه بوده‌اند، توانمندتر در تبیین شخصیت‌های داستان و پردازش و فرآورش کنش‌های اجتماعی مینمایند.

در گستره پیشنهاد برای پژوهش: به نظر میرسد که پژوهش در چارچوب کارشناسی ارشد با تأکید بر سه موضوع زیر، قابل توجه باشد.

الف (ارزیابی عناصر اصلی کنش‌های متقابل اجتماعی با تأکید بر جنسیت.

ب (نقش جنسیت در کنش‌های متقابل بین فرد و نهاد‌های اجتماعی.

ج (واکای موضوع همساندوستی و جنسیت از منظر روابط و کنش‌های متقابل اجتماعی.

در گستره فضاهای شهری: براساس مفاهیم و داده‌های محوری ادبیات داستانی معاصر ایران، به نظر میرسد تجربه زنانه در زیربخش نموده‌ها و کنش‌های اجتماعی، که در حوزه فضاهای شهری، زندگی اجتماعی، روایت‌های زنانه از شهر، زندگی روزمره زنان در فضاهای عمومی شهر و خوانش زنانه از شهر اتفاق افتاده باشد، فوق‌العاده کم، ضعیف، نارسا و ناگویاست. ضرورت دارد تا از طریق دانشگاه‌ها، کارگاه‌های قصه‌نویسی، و حمایت از آثاری از این دست، به این مهم توجه شود. افزون‌بر آن لازم مینماید تا مدیریت فضاهای شهری، بر توسعه زیرساختها و زمین‌های مناسب به منظور افزایش سطح حضور زنان در فضاهای شهری افزوده و به این ترتیب بر ارتقای کیفیت این دسته از تجربه‌های کنشی، یاری رسانند.

178 فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال هفتم، شماره بیست و هفتم، تابستان 1394
پیوست شماره: 1 پیکره آثار ادبی مورد تحلیل و بررسی جامعه نمونه آماری) پیکره آثار.)

1- آقایی، فرخنده، 1386، از شیطان آموخت و سوزاند، نشر ققنوس

2- افغانی، علیمحمد، 1388، شوهر آهو خانم، نشر نگاه

3- پیرزاد، زویا، 1380، چراغها را من خاموش میکنم، نشر مرکز

4- پیرزاد، زویا، 1390، عادت میکنیم، نشر مرکز

5- حجازی، بنفشه، 1390، ایمپالای سرخ، نشر افراز

6- حاج سیدجواد، فتانه، بامداد خمار

7- کلهر، فریبا، 1391، شروع یک زن، نشر ققنوس

8- سیدجواد جواهری، مهناز، 1390، عشق در سالهای مشروطه، نشر البرز

9- وفی، فریبا، 1381، پرده من، نشر مرکز

- 10- وافي، فريبا، 1382 ، ترلان، نشر مركز
 11- روانيپور، منيرو، 1384 ، كولي کنار آتش ، نشر مركز
 12- پارسيپور، شهرنوش، 1383 ، مردان در برابر زنان ، نشر شيرين
 13- پارسيپور، شهرنوش، 1382 ، طوبا و معنای شب ، نشر البرز
 14- عليزاده، غزاله، 1384 ، شبهاي تهران، انتشارات توس
 15- عليزاده، غزاله، 1384 ، با غزاله تا ناكجا، انتشارات توس

منابع:

فارسي

- استراوس، ا. (1390). **مباني پژوهش كيفي**. ترجمه ابراهيم افشار، تهران: نشر ني .
 تامپسون، ك. (1392). **نقل قولهاي كليدي در جامعهشناسي**، تهران: نشر ثالث .
 كالر، ج (1382). ، **نظريه ادبي**، ترجمه فرزانه طاهري، تهران: نشر مركز .
 -گلدمن، ل (1381). **جامعهشناسي ادبيات**، ترجمه محمدجعفر پوينده، تهران.
 -فاولر، ر. (1390). **نقل قولهاي كليدي در جامعهشناسي**، تهران: نشر ثالث.
 -محمدي اصل، ع. (1390). **پارسونز و نظريه كنش**، تهران: نشر گلازين